

بررسی تأثیر شادابی و نشاط در پیشرفت تحصیلی

دانش‌آموزان متوسطه شهرستان ساری

کیومرث نیاز آذری^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۱۶

چکیده

یادگیری انسان و ساماندهی رفتار نوجوان در گرو نشاط و شادابی و هیجانان مثبت اوست و خلایقیت، شکوفایی استعدادها در گرو نشاط و انبساط روحی انجام می‌شود. شکی نیست که یکی از وظایف مهم تربیتی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی مدارس، تشویق نوجوانان به مشارکت و تعاون در همه امور است و آنان می‌توانند با تدوین برنامه‌ریزی آموزشی مناسب به جلب مشارکت دانش‌آموزان در امور مختلف مدرسه اقدام کنند و این موضوع می‌تواند به احساس مفید بودن و دور شدن از انزوا و کسالت در نوجوانان کمک کند و خود یکی از موارد شاد و با نشاط زیستن است. لذا این پژوهش به بررسی تأثیر شادابی و نشاط در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان ساری و ارائه راهکار به منظور افزایش شادابی و نشاط در برنامه‌ریزی آموزشی پرداخته بود. جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر ساری به تعداد ۱۷۷۹۲ نفر تشکیل دادند. شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بود. با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰)، تعداد نمونه $S = ۳۷۶$ نفر برآورد گردید. برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش، از دو روش استفاده گردید. در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. جهت محاسبه درصدها، محاسبه شاخص‌های مرکزی، پراکنندگی مناسب، طبقه‌بندی کردن داده‌ها و رسم نمودار استفاده شده است. جهت تعمیم نتایج،

^۱ دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری K.Niazazari@gmail.com

تعیین رابطه بین نظرات طبقه مورد مطالعه از آزمون T یک گروهی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که شادابی، نشاط، جنسیت و وضعیت اقتصادی خانواده در برنامه‌ریزی آموزشی خصوصاً پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه مؤثر واقع شده است.

واژه‌های کلیدی:

شادابی، نشاط، پیشرفت تحصیلی، دانش‌آموزان متوسطه و برنامه‌ریزی آموزشی.

«در بهشت جایی است که به آن خانه شادی گفته می‌شود، هیچ کس به آن وارد نمی‌شود مگر آنکه موجب شادی کودکان شده باشد.» پیامبر اکرم (ص) امروزه شادابی و نشاط فضای آموزشی نقش و جایگاه برجسته‌ای در مبحث کیفیت و برنامه‌ریزی آموزشی دارد. به طوری که شور و شوق به تحصیل، فعال شدن حس کنجکاوی و افزایش خلاقیت دانش‌آموزان ارتباط نزدیکی با وضعیت محوطه آموزشی آنها دارد. ایجاد محیط آموزشی با نشاط برای دانش‌آموزان سال‌هاست که به عنوان یک دغدغه جدی نزد سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش مطرح شده است. این مسأله یکی از نیازهای اساسی دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی است، زیرا کودکان بسیار بصری هستند. آنها از محیط و فضاهایی که نشاط و شادابی را القاء کند، لذت می‌برند و به دلیل افزایش انگیزه‌ها، پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه‌های علمی خواهند داشت. اگر امکانات، تسهیلات و برنامه‌ریزی‌های دقیق و متناسب آموزشی بتوانند حس کنجکاوی فراگیران را تحریک کنند و آنها را به سوی خود جذب نماید، این محیط برای آنها نشاط آور و شاداب خواهد بود. بنابراین لازم است والدین و مربیان و همه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش با همکاری و تعامل، تلاش خود را بکار گیرند تا مراکز آموزشی را به محیط‌هایی با نشاط و جذاب برای دانش‌آموزان تبدیل کنند تا پیشرفت تحصیلی آنها ارتقاء یابد. برای دستیابی به تحقق آرمان‌های مربوط به شاداب سازی مدارس جهت پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، باید تحولات جدی در نگرش مدیران و مسؤولان نظام آموزش و پرورش و برنامه‌ریزی‌های آموزشی مطابق با استانداردهای جهانی ایجاد نمود.

دنیای صنعتی امروز و پیچیده شدن روابط، میزان ناکامی‌ها و فشارهای روانی مردم رو به افزونی گذاشته و زندگی را به کام برخی تلخ کرده است. افراد دیگر به ارضای نیازهای اولیه راضی نیستند و نیازهای جدیدی بر گستره‌ی نیازهای قبلی پا بر عرصه وجود گذاشته است. در این بین دانش‌آموزان از این قاعده مستثنی نبوده و نسبت به نسل‌های قبل تکالیف پیچیده‌تر بر عهده داشته و ملزم به رعایت برنامه‌ریزی‌های نوین آموزشی می‌باشند. گاهی شکست‌ها و ناکامی‌ها باعث دلسردی آنان در حل مسائل می‌شود و در واقع درماندگی آموخته شده ایجاد می‌شود. به نظر می‌رسد، شکست‌ها کمتر باعث بروز

عاطفه منفی در افراد شاد می‌شود و هر شکست با خوش‌بینی تجربه‌ای برای رسیدن به پیروزی تلقی می‌گردد، اما شادی، خصوصیتی است که تحت تأثیر ویژگی‌های سرشتی و شخصیتی فرد خصوصاً درون‌گرایی و برون‌گرایی قرار دارد (بین‌بریج^۱، ۲۰۱۰).

از طرف دیگر تحت تأثیر تجارب و یادگیری نیز قرار دارد. در واقع شادی همانند ثروتی است که می‌توان آن را از دست داد و یا اینکه بر آن افزود. با استفاده از روش‌های شادی بخش در جریان آموزش و برنامه‌ریزی آموزشی فراگیران، می‌توان علاوه بر ایجاد محیطی رضایت بخش برای دانش‌آموز، با بسیاری دیگر از مشکلات از جمله میزان غیبت، دیرآمدگی، بی‌حوصلگی و کسالت در کلاس درس، امراض جسمی و روحی و در نهایت مسأله افت تحصیلی، مقابله شود و محیطی فراهم شود که امکانات فراگیری مؤثر دانش‌آموز در نظر گرفته شود. لذا توجه به تأثیر روش‌های شادی بخش در برنامه‌ریزی آموزشی دوره‌های مختلف تحصیلی ضروری به نظر می‌رسد (کرافت^۲، ۲۰۰۸).

از آنجایی که نشاط، تحرک، پویایی، شادابی از ویژگی‌های نسل امروز است و موافق طبع و مقتضیات فطری اوست، خمودگی، سستی، انزوا، بی‌تحرکی، غمناکی، پژمردگی، آفت بزرگ و مانع عظیم رشد و شکوفایی و خلاقیت و کارآمدی نسل جوان می‌باشد. جلوگیری از نشاط و شادابی جوانان و جلوگیری از بروز احساسات و هیجانات عاطفی آنان، موجب سرخوردگی و بروز بیماری حقارت و عقده‌های روحی و روانی است. اسلام دین زیبایی و نشاط و دینی آسان و منعطف است. انبساط روحی، بهجت‌افزایی و خنده رویی از زمینه‌های رشد و شکوفایی جوان و زمینه‌ای برای تخلیه عقده‌های روحی و فشارهای روانی است. نشاط و انبساط روحی، یکی از متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری شخصیت مثبت در کودکان و نوجوانان است و بالعکس، اضطراب و تشویش خاطر عامل مهمی در توقف استعدادها است. روانشناسان حالت شادی را نتیجه عمل هماهنگ و منسجم و سامان یافته همه عواطف یک فرد می‌دانند و معتقد هستند که نشاط و آرامش روحی زمینه‌های باروری خرد و اندیشه را به وجود می‌آورد (اسکندری، ۱۳۸۶).

¹. Bin Bridge

². Craft

«مارشال ریو»^۱ (۱۳۷۴) نویسنده کتاب «انگیزش و هیجان» در تعریف شادی همچنین می‌نویسد: «شادی احساس مثبتی است که از حس رضایت‌مندی و پیروزی به دست می‌آید.» شادی یکی از نیازهای اساسی زندگی و عاملی برای رشد و موفقیت است. نظام هستی به گونه‌ای است که اسباب شادی را برای انسان فراهم می‌کند؛ بهار طرب‌انگیز، آبشارهای زیبا، گل‌های رنگارنگ، صحنه طلوع خورشید، باران لطیف، پرندگان زیبا و نغمه سرایی آنها و بسیاری دیگر از پدیده‌های شگفت‌انگیز جهان، شادی را برای ما به ارمغان می‌آورند. البته دین ما یعنی دین فطرت و طبیعت، پیروان خود را به شادی‌های مثبت و سازنده دعوت می‌کند. امام علی(ع) می‌فرماید: «این دل‌ها همانند بدن‌ها خسته و افسرده می‌شوند و نیاز به استراحت دارند، در این حال، نکته‌های زیبا و نشاط‌انگیز برای آنها انتخاب کنید.» (استیل و کونیگ^۲، ۲۰۰۷).

لذا «فوردایس»^۳ اصول چهارده‌گانه‌ای را برای افزایش شادمانی بیان می‌کند که در (شکل ۱) نشان داده شده است.

¹. Marshall Reeve

². Steel and Koenig

³. Fordyce

شکل (۱): اصول چهارده گانه «فوردایس» جهت افزایش شادمانی



نرخ شادی و خنده در مدارس ایران بسیار پایین است و در برنامه‌ریزی آموزشی نیز جایگاه ویژه‌ای ندارد. میزان شیوع خنده و توسعه فضای فرح بخش در آموزشگاه‌ها مورد بی‌مهری قرار گرفته است. در جامعه و مدرسه فاقد شادی، سخن گفتن از شادی قدری مشکل خواهد بود. یکی از مشکلات هر جامعه غفلت از شادی و نشاط و در نتیجه افزایش بیماری‌های مختلف روانی از قبیل اضطراب و افسردگی است (جعفری مقدم، ۱۳۸۵).

با شادی و نشاط زندگی معنا پیدا می‌کند و در پرتو آن دانش‌آموزان خصوصاً در دوران نوجوانی و جوانی می‌توانند خود را ساخته و قله‌های سلوک و پله‌های ترقی را چالاکانه بیمایند. جامعه علمی زنده و پویا، جامعه‌ای است که عناصر شادی‌آفرین در آن فراوان باشد و در برنامه‌ریزی آموزشی نظام‌های مختلف آن، راهکارهایی جهت شادابی و نشاط دانش‌آموزان طراحی و تنظیم گردد. در گذشته به نظر می‌رسید که وظیفه آموزش و پرورش تولید عده‌ای فارغ التحصیل است که تنها بتوانند امرار معاش کنند، اما چنین می‌نماید که در قرن جدید برنامه‌ریزی‌های آموزشی نظام‌های آموزش و پرورش این مرحله را پشت سر گذاشته و سرلوحه تعلیم و تربیت در یک جمله خلاصه شده است؛ « شوق زندگی کردن را به دانش‌آموزان بیاموزیم». پس باید معتقد باشیم که درحقیقت رشد پایدار ما در گرو شادی پایدار است. معلمین باید توان خوشایند کردن، سالم‌تر کردن و بارورتر کردن محیط‌های آموزشی را کسب کنند». پس باید بکوشیم تا عشق، جرأت، ایمان، امید و اعتماد، اعتدال در کارها و نشاط و پویایی در کار و رفتار را در خویشتن، همکاران، خانواده‌ها و کودکان و نوجوانان گسترش دهیم و با هم شادی و سلامت به ارمغان آوریم و برای سعادت بشر تلاش کنیم (سلیگمن^۱، ۱۹۹۰).

ترقی هر کشوری رابطه مستقیم با پیشرفت علم و دانش و تکنولوژی آن کشور دارد. پیشرفت علمی نیز حاصل نمی‌شود مگر این که افراد متفکر و خلاق تربیت شده باشند. پیشرفت تحصیلی ضمن این که در توسعه و آبادانی کشور مؤثر است در سطوح عالی منجر به یافتن شغل و موقعیت مناسب و در نتیجه درآمد کافی می‌شود. دانش‌آموزان و دانشجویانی که از موفقیت‌های تحصیلی برخوردارند، خانواده و جامعه با دیده احترام به

^۱. Seligman

آنان می نگرند و در جامعه با روحیه و نشاط بیشتری حضور خواهند یافت و درکنار این‌ها از هزینه‌های گزافی که از افت تحصیلی، تحمیل آموزش و پرورش می‌شود کاسته خواهد شد. «پیشرفت تحصیلی»^۱ یعنی این‌که اگر سطح مورد انتظار آموزشی برآورده شود، سازمان آموزش و پرورش به اهداف از پیش تعیین شده در **برنامه‌ریزی آموزشی** نزدیک‌تر خواهد شد (همان منبع).

«پیشرفت تحصیلی» یعنی افزایش میزان یادگیری، افزایش سطح نمرات و قبولی دانش‌آموزان در دروس و پایه تحصیلی. عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی را می‌توان در سه سطح «فردی، خانوادگی، آموزشی»^۲ در نظر گرفت. ارتباط با مدرسه به این دلیل نیز که موجب می‌گردد تا والدین از وضعیت تحصیلی، **برنامه‌ریزی آموزشی** و نیازهای فرزندان‌شان بهتر و بیشتر آگاه شوند و اطلاعاتی را بدست آورند که برای ارائه نقش تربیتی بهتر خانواده لازم و ضروری است. برخی والدین به دلیل عدم آشنایی کافی با نیازهای واقعی ویژگی‌های سنی فرزندان‌شان در سنین مختلف و عدم اطلاع از وضعیت تحصیلی آنان نمی‌توانند نقش‌های نظارتی و حمایتی خود را به طرز صحیحی اجرا نمایند و نه تنها موجب بروز افت تحصیلی در فرزندان خود می‌شوند، بلکه روز به روز از فرزندان خود نیز به دلیل عدم شناخت کافی از آنان فاصله می‌گیرند. ارتباط مستمر با مدرسه و شرکت منظم در جلسات انجمن اولیاء و مربیان و شرکت در کلاس‌های آموزشی مناسب برای آشنایی با ویژگی‌ها و نیازهای فرزندان در دوره‌های سنی مختلف و آشنایی با **برنامه‌ریزی آموزشی** این گروه سنی، راهکار مناسبی است برای تقویت بعد نظارتی و حمایتی خانواده‌ها در برابر فرزندان که امیدواریم مورد توجه خانواده‌ها قرار گیرد (هاشمی رکاوند، ۱۳۷۷، ص ۲۸۸).

هم‌زمان با شکل‌گیری تمدن بشری، متفکران بزرگ به بحث و گفتگو در خصوص حیات انسانی و زندگی مطلوب پرداخته‌اند. برخی از افراد، ایده‌آل خود را در ثروت، برخی در داشتن روابط پرمعنا و برخی دیگر در کمک به افراد نیازمند می‌بینند. همه این افراد از لحاظ شرایط و ظواهر بیرونی با یکدیگر متفاوت‌اند، اما از یک احساس تندرستی ذهنی

¹. Achievement

². Individual, Family, Educational

مشترک برخوردارند. در صورتی که افراد از شرایط زندگی راضی بوده، مکرراً عواطف مثبت را تجربه نمایند و بالعکس عواطف منفی کمتری را تجربه کنند، گفته می‌شود که از تندرستی ذهنی بالایی برخوردار هستند. یکی از نیازهایی که نوجوانان را به خود مشغول می‌دارد، انتخاب کار و پیشه برای زندگی آینده شان می‌باشد. برخی از نوجوانان در انتخاب شغل، هدف مشخصی را دنبال نمی‌نمایند، بلکه برای آنکه صرفاً شغلی داشته باشند به هر کاری دست می‌زنند (همان منبع).

گروهی از نوجوانان به کارهایی ابراز علاقه می‌نمایند که از استعداد و توانشان خارج می‌باشد و گروهی دیگر به مشاغلی دلبستگی نشان می‌دهند که با امکانات بدنی و روانی شان سازگاری ندارند. در این سرگشتگی‌ها تنها مریبان دلسوز، دانا، توانا و باتجربه نوجوانان را به انتخاب مشاغلی راهنمایی می‌کنند که برایشان همراه امید، موفقیت و خوشبختی باشد. ایجاد فرصت برای همکاری با گروه‌های همسن و مورد علاقه نوجوانان از اهمیت تربیتی، پرورشی و برنامه‌ریزی آموزشی بالایی برخوردار می‌باشد. نوجوانان از این‌که خود را افرادی مفید و مؤثر ببینند، احساس اهمیت می‌کنند و همین امر در پویایی و سلامتی آنان کارساز خواهد بود (کریمی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۷).

در رویکرد معمول آموزش و برنامه‌ریزی آموزشی، معلم بسیار فعال و دانش‌آموزان نقش منفعلی دارند. این حالت بیشتر در زمینه‌ادگیری دانش و اطلاعات کاربرد دارد، اما وقتی یادگیری مهارتی خاص مورد نظر است، که باید اطلاعات در عمل مورد استفاده قرار بگیرد، شیوه آموزشی مدرن و برنامه‌ریزی آموزشی نوین مدنظر است و می‌توان از طریق نمادهای مختلف مثل: آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها به آموزش مهارت‌های زندگی همت گماشت تا شاهد کاهش تراکم جمعیت کیفری باشیم. اگر دانش‌آموزان مهارت‌های زندگی را بیاموزند، هیچگاه مرتکب رفتارهای هنجار شکن نخواهند شد (هافمن^۱، ۱۳۸۴).

ویژگی‌های زیر می‌تواند نشانه‌های شادابی تحصیلی یک مدرسه و نشاط را در یک برنامه‌ریزی آموزشی جامع به همراه داشته باشد: ۱. پرسش‌گری^۲: معلم می‌تواند جهت

^۱. Hoffman

^۲. Inquiry

افزایش اطلاعات خود از همه منابع در دسترس از جمله مبادله اطلاعات با همکاران آموزشی خود در برنامه ریزی آموزشی استفاده کند. ارتباط با سایر محافل از جمله محافل دانشگاهی، مراکز تحقیقاتی و یا شرکت در همایش های تعلیم و تربیتی می تواند بسیار مؤثر باشد. ۲. **افزایش مطالعه**^۱: منابعی مانند: کتاب های مرتبط، مجلات، مقالات جدید، مراجعه به سایت های اطلاعاتی و نمایه های اسنادی ۳. **افزایش اطلاعات تجربی و مشاوره ای**^۲: شرکت در همایش های علمی، کارگاه های آموزشی و دوره های ضمن خدمت، فرصت هایی مناسبی برای این مورد هستند. چنین فرصت هایی هم مهارت معلمین را در برنامه ریزی آموزشی افزایش می دهد و هم تعاملات مشاوره ای و مهارت استفاده از تجربیات دیگران را افزایش می دهد. بهره گیری از یک قالب استاندارد در روش مورد نظر، مقایسه بین روش ها و نیز شیوه مشارکت آنها را آسان تر می کند (هاتوس^۳، ۱۳۸۶).

بدین ترتیب مدیریت تفکر و مسائل عمومی، پیش درآمد و مقدمه لازمی برای خط مشی گذاری به شیوه اقتضایی است. زیرا به مدد آن است که شرایط و اوضاع و احوال را می توان شناخت و شیوه مناسب برنامه ریزی آموزشی در مدارس را در مقابل آن برگزید. باید به این نکته مهم توجه کرد که در مدیریت مسائل عمومی یادگیری و برنامه ریزی آموزشی، آگاهی از مشکلات به معنای تسلیم شدن، قبول کردن و واکنش انفعالی نشان دادن در مقابل آنها نیست، بلکه کوششی برای شناخت مسائل و اداره آنهاست. معلم اثربخش می تواند در مقابل مسائل یادگیری، صرفاً نقش مخالف یا پذیرندگی و تسلیم را ایفاء کند یا آنکه به استقبال مشکلات رفته با آنها به طور فعال برخورد نماید. مدیریت تفکر به شناخت مسائل می پردازد نه این عنوان که به تغییرات تن درد دهد، بلکه با این هدف که تغییرات را جهت داده برای آنها پاسخی مناسب و سازنده در جهت مسؤولیت خود بیابد. بدین ترتیب و با استفاده از یک شیوه ی مناسب، مشکلات به طور واقعی شناخته می شوند و انتظارات و توقعات جامعه فراگیر منعکس شده، از احساس بی تفاوتی و بی نقشی آنان کاسته شده و آنان نیز خود را در روند فراگیری مهم و مؤثر می یابند.

¹. Study Increase

². Increasing Empirical Information and Advice

³. Hatus

«جان دیویی»^۱، متفکر بزرگ مسائل تربیتی، معتقد است مدرسه باید خودکاری دانش‌آموز را تشویق کند. اساس کار مدرسه نباید تنها تبعیت و فرمانبرداری باشد و مقررات را مدار قرار ندهد تا دانش‌آموز بتواند به پرورش خلاقیت بپردازد. در صورتیکه در حال حاضر مشکل اساسی مدارس این است که در آنها اندیشه‌های خلاق یادگیرندگان به سبب غیرمعمول بودن، نه تنها مورد تشویق قرار نمی‌گیرند، بلکه مورد ایراد و سرزنش واقع می‌شوند. سرزنش دانش‌آموزان به خاطر داشتن رفتار و افکار غیرقالبی، می‌تواند ریشه‌های تفکر خلاق و توانایی کشف مسائل تازه را در همان روزهای نخستین آموزش مدرسه‌ای در آنها بخشکاند. اگر بخواهیم خلاقیت دانش‌آموزان را توسعه دهیم و امکان بروز استعدادهاى بالقوه را در آنان فراهم سازیم، باید در جو حاکم بر محیط آموزشی تجدیدنظر کنیم. برای مثال، نمی‌توان از دانش‌آموزان انتظار داشت که از جای خود تکان نخورند، در طرز نشستن، حرف زدن و لباس پوشیدن‌شان از یک الگوی واحد پیروی کنند، همان پاسخی را به سوالات بدهند که از نظر معلم تنها پاسخ صحیح است و در عین حال خلاق هم باشند. البته منظور این نیست که هرج و مرج و بی‌نظمی در مدرسه حاکم باشد، زیرا لازمه هر آموزشی نظم است. هدف برقراری نظم و مقررات قابل انعطاف است یعنی نظم مربوط به مسائل کلی باشد و جزئیات رفتار و گفتار را تحت تأثیر قرار ندهد(همان منبع).

اگر مدرسه به جای جوی سلطه‌جویانه و غیرقابل انعطاف از جوی مناسب و حمایت‌کننده برخوردار باشد، هم معلم با احساس امنیت و آسودگی خیال می‌تواند به ارائه طرح‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی جدید و مؤثر بپردازد و هم دانش‌آموزان با اعتماد به نفس و ایمنی روانشناختی به انجام فعالیت‌های خلاق می‌پردازند. امروزه در دنیا یکی از مباحثی که در امر یاددهی و یادگیری به شدت روی آن تأکید می‌شود، یادگیری چگونه «فکر کردن» و چگونه «یادگرفتن» است، نه «چه یادگرفتن». گاهی توجه بیش از حد به «چه یاد گرفتن» سبب می‌شود از نظر کمیت مفاهیم زیادی را در ذهن دانش‌آموزان انباشته کنیم، به آنها ماهی می‌دهیم آن هم به مقدار زیاد که ناچارند مازاد آن را دور بریزند و توجهی به

¹. John Dewey

چگونگی یاد گرفتن آنها و مفید بودن مواد آموخته شده برای زندگی حال و آینده دانش‌آموزان نداشته باشیم (اسکندری، ۱۳۸۶).

غلامی و جاری (۱۳۹۰) پیش‌بینی شادمانی دانش‌آموزان دوره راهنمایی بر اساس ادراک آنها از انتظارات معلم، نحوه تعامل معلم و خودکارآمدی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که برخی از ابعاد تعامل معلم و دانش‌آموزان و انتظارات معلم به صورت مستقیم قدرت پیشی‌بینی شادمانی را دارند و نیز برخی از این ابعاد پیشی‌بینی کننده مستقیم خودکارآمدی هستند.

جعفری و طالب زاده (۱۳۸۹) با ارائه مدلی نشاط و شادی در مدارس ابتدایی شهر تهران را مورد بررسی قرار دادند. طبق نتایج به دست آمده از دیدگاه معلمان و مدیران به ترتیب اهمیت، عوامل فیزیکی، عاطفی-اجتماعی، فردی و آموزشی در شادی و نشاط مدارس ابتدایی دخترانه شهر تهران مؤثر شناخته شدند.

فضل الهی و همکاران (۱۳۸۹) سنجش میزان و عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان پردیس قم دانشگاه تهران را مورد تحقیق قرار دادند. تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان داد که میزان شادی دانشجویان پردیس قم دانشگاه تهران در سطح مطلوب بوده و بین میزان شادی دانشجویان دانشکده‌های مدیریت، حقوق و فقه و فلسفه تفاوت معنی داری وجود دارد، اما بین میزان شادی دانشجویان دختر و پسر و مقاطع مختلف کارشناسی و کارشناسی ارشد تفاوت معنی داری مشاهده نشد. همچنین شش عامل به عنوان عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان شناسایی شد که به ترتیب زیر اولویت‌بندی شدند: ۱. تعامل بین دانشجو و استاد؛ ۲. امکانات رفاهی دانشگاه؛ ۳. جو سازمانی حاکم بر دانشگاه؛ ۴. مشارکت دانشجو در فعالیت‌های کلاسی؛ ۵. شیوه‌های تدریس و ارزشیابی استادان؛ ۶. عضویت در گروه‌های خاص (ورزشی، فرهنگی، مذهبی و...).

سرهنگی (۱۳۸۹) بررسی میزان نشاط و شادابی و راه‌های تقویت آن در مدارس راهنمایی و متوسطه شهری استان کردستان را سنجیده است. نتایج نشان داده است که شادی و نشاط به عنوان یکی از جنبه‌های جدایی ناپذیر زندگی و به ویژه یکی از جنبه‌های ضروری تحصیل در آموزش و پرورش تلقی می‌شود.

زارعی متین و همکاران (۱۳۸۸) نقش دانشگاه در ایجاد عوامل مؤثر بر شادی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که افرادی که شاد زندگی می‌کنند باعث افزایش تمرکز خود شده و همیشه موفق می‌شوند و در هنگام مواجهه با مشکلات و شرایط ناگوار می‌توانند با صرف حداقل انرژی و با استفاده از راه‌های کوتاه و مؤثر آن مشکلات را حل کنند و کمتر دچار سردرگمی و پریشانی شوند. شادی و نشاط نه تنها در پدیده‌های اجتماعی مانند روابط فردی نفوذ می‌کند بلکه به تنهایی در فرایندهای شناختی مانند حافظه، یادگیری، حل مسأله و انعطاف پذیری فکری نیز اثر می‌گذارد.

محمودپور (۱۳۸۵) در تحقیقاتش نشان داد که منبع کنترل که دارای دو بعد درونی و بیرونی است و بنابر فرضیات راتر، افرادی که دارای منبع کنترل درونی هستند، معتقدند که اعمالشان نقش عمده‌ای در به حداکثر رساندن برون داده‌های بد یا خوب دارد و افراد دارای دارای منبع کنترل بیرونی، فکر می‌کنند برون داده‌های بد یا خوب ارتباطی با رفتار آنها ندارد.

سمری (۱۳۸۳) نشان داد که از میان ۱۶ متغیر پیش بین تنها ۶ متغیر جنسیت، درستی انجام تکلیف، تحصیلات مادر، انگیزه پیشرفت، سن دانش آموز و درگیری والدینی در امر شادابی و هیجان ضرایب معناداری برای پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارند. ماهون^۱ و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیقی تحت عنوان "شادی از منظر ارتباط با جنسیت و سلامت در اوایل رشد" به این نتایج دست یافت که بین پسران و دختران تفاوتی از نظر شادی وجود ندارد، در صورتی که تفاوت مثبت معناداری بین شادی و متغیرهای سلامتی برای تمام افراد وجود داشت.

اویشی و همکاران (۲۰۱۰) با عنوان "فرهنگ، ادراکات میان فردی و شادی در تعاملات اجتماعی" انجام دادند، نشان داد که تأکید بر جنبه‌های مهم شخصیت فرد، منجر به شادی وی می‌شود و تفاوت‌های فرهنگی در جنبه‌های مختلف شخصیت، پدیدار می‌گردد.

کولیت کلی (۲۰۰۹) در پژوهش خود تحت عنوان "سلامت رفتار در کودکان واجب‌التعلیم ایرلند ۲۰۰۶"

¹. Mahon

دریافت که در اثر حمایت بالای خانواده، مدارس و اجتماع، دانش‌آموزان به احساس خود شکوفایی و فردیت دست می‌یابند و حس استقلال، شایستگی و خودآگاهی در آنها توسعه می‌یابد.

پژوهش میلر به نقل از رایدین (۲۰۰۸) با عنوان "مدارس شاد مساوی است با موفقیت" بیان می‌کند که مدارس دارای سه جزء اساسی برای خلق یک مدرسه شاد است. آنها مکانی را می‌سازند که کودکان با دوستانشان باشند، دانش جدید را یاد بگیرند و مهارت رویا داشتن، رشد کردن و برنامه‌ریزی را بیابند و نیز محیط فیزیکی خوشایند و مطلوب در ساختن یک مدرسه شاداب بسیار مهم است.

ولک (۲۰۰۸) در "شادمانی در مدارس" به این نتایج دست یافت که اصولی از قبیل جلوه‌نمایی کارهای دانش‌آموزان، قرار دادن زمانی برای بازی، جذاب کردن فضای مدرسه، وجود کتاب‌های خوب برای خواندن، ایجاد کلاس‌های ورزشی و هنری شادی بیشتری را به دانش‌آموزان برای رفتن به مدرسه می‌افزاید.

ریچ جان (۲۰۰۶) تأثیر روش‌های تکنولوژی محور در آموزش و تأثیر آن در افزایش پیشرفت تحصیلی را مورد بررسی قرار داد. او در این پژوهش به نتایج جالبی رسید از جمله این که استفاده از روش‌های تدریس بر پایه فناوری روز دنیا باعث تقویت انگیزه دانش‌آموزان ابتدایی شده است.

کوزما (۲۰۰۵) تأثیر نظام آموزشی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسید که نظام آموزشی پویا باعث عدم افت روحیه دانش‌آموزان می‌شود.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه در این پژوهش، این فرضیات مورد بررسی قرار گرفت:

۱. بین شادابی و نشاط و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۲. بین شادابی و نشاط و جنسیت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۳. بین شادابی و نشاط و وضعیت اقتصادی خانواده دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

¹. Rechjan

². Kouzma

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی است. نوع تحقیق کاربردی است، زیرا نتایج در وزارت آموزش و پرورش و به خصوص برنامه‌ریزی آموزشی قابل استفاده خواهد بود. جامعه آماری این تحقیق را دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر ساری به تعداد ۱۷۷۹۲ نفر تشکیل داده بودند که از این تعداد ۳۷۶ نفر به عنوان نمونه در این پژوهش مشارکت داشتند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه استاندارد ۲۹ ماده‌ای شادکامی آکسفورد^۱ (روش نمره‌گذاری این آزمون شامل ۲۹ عبارت ۴ گزینه‌ای) بوده است. در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی شامل: محاسبه درصدها، محاسبه شاخص‌های مرکزی، پراکندگی مناسب، طبقه‌بندی کردن داده‌ها و رسم نمودار و آمار استنباطی شامل: آزمون T یک گروهی استفاده شده است.

نتایج و یافته‌ها

به منظور این‌که آیا نظرات آزمودنی‌ها از سطح نرمال برخوردار می‌باشد یا خیر؟ و این‌که جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از چه نوع قواعد و آزمون پارامتریک یا ناپارامتریک بهره‌گیری شود، مع الوصف آزمون نرمالیت بر اساس آزمون «کولموگوروف اسمیرنوف^۲» انجام شده است.

جدول (۱): آزمون «کولموگوروف اسمیرنوف»

نتیجه آزمون	p-value	مقیاس‌های سبک‌های مقابله‌ای
نرمال	۰/۶۹	رابطه شادابی و نشاط و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان
نرمال	۰/۶۷	رابطه شادابی و نشاط و جنسیت دانش‌آموزان
نرمال	۰/۶۵	رابطه شادابی و نشاط و وضعیت اقتصادی خانواده

در تمامی متغیرهای تحقیق، مقدار p-value از سطح معنی داری ۰/۰۱ بیشتر می‌باشد. لذا این نتیجه حاصل شده است که تمامی متغیرهای تحقیق نرمال بوده‌اند. بنابراین، برای بررسی سؤالات و فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده شده است.

^۱. Oxford

^۲. Kolmogorov-Smirnov

فرضیه اول: بین شادابی و نشاط و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. بین شادابی و نشاط و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان زمانی رابطه وجود خواهد داشت که میانگین نمره متغیر از نمره برش (۱۴۱)، به اندازه کافی بالاتر باشد.

جدول (۲): آماره های متغیر افزایش قدرت یادگیری

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد
پیشرفت تحصیلی	۱۸۲/۲۶	۱۸.۱۱	۳۷۶

همان‌طور که از جدول فوق ملاحظه می‌شود، میانگین نمره از نمره برش بیشتر است اما باید به اندازه کافی از آن بیشتر باشد تا تفاوت مشاهده شده در اثر خطای اندازه‌گیری و یا تصادفی نباشد و برای تعیین معنادار بودن این تفاوت از آزمون T یک گروهی استفاده می‌کنیم.

جدول (۳): آماره های آزمون T یک گروهی با نقطه برش ۱۴۱

متغیر	t_p	مقدار بحرانی t_p	تعداد N	درجه آزادی df	سطح معناداری α
پیشرفت تحصیلی	۳/۱۴۵	۲/۰۱۰	۳۷۶	۳۷۵	۰.۰۰۰

چون T محاسبه شده ($t_p=۳/۱۴۵$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha=۰.۰۱$) و درجه آزادی ۳۷۵ از T جدول بحرانی ($t_p=۲/۰۱۰$) بزرگتر است. بنابراین، معلوم می‌شود که میانگین نمره ۱۸۲/۲۶ متغیر از میانگین (۱۴۱) به طور معناداری بیشتر است و به همین دلیل بین شادابی و نشاط و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین شادابی و نشاط و جنسیت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. بین شادابی و نشاط و جنسیت دانش‌آموزان رابطه وجود خواهد داشت که میانگین نمره متغیر از نمره برش (۱۴۱)، به اندازه کافی بالاتر باشد.

جدول (۴): آماره های متغیر جنسیت دانش‌آموزان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد
جنسیت دانش‌آموزان	۱۷۸/۸	۲۸/۳۸	۳۷۶

همان‌طور که از جدول فوق ملاحظه می‌شود میانگین نمره از نمره برش بیشتر است، اما باید به اندازه کافی از آن بیشتر باشد تا تفاوت مشاهده شده در اثر خطای اندازه‌گیری و یا

تصادفی نباشد و برای تعیین معنادار بودن این تفاوت از آزمون T یک گروهی استفاده می‌کنیم.

جدول (۵): آماره‌های آزمون T یک گروهی با نقطه برش ۱۴۱

متغیرها	t_m	مقدار بحرانی t_p	تعداد N	درجه آزادی df	سطح معناداری α
جنسیت دانش‌آموزان	۶/۰۰۹	۲/۵۷۶	۱۶	۳۷۵	۰۰۰.۰

چون T محاسبه شده ($t_m=۶/۰۰۹$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha=۰.۰۱$) و درجه آزادی ۳۷۵ از T جدول بحرانی

بزرگتر است. بنابراین، معلوم می‌شود که میانگین نمره ۱۷۸/۸ از میانگین (۱۴۱) به طور معناداری بیشتر است، لذا بین شادابی، نشاط و جنسیت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم: بین شادابی، نشاط و وضعیت اقتصادی خانواده دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. بین شادابی و نشاط و وضعیت اقتصادی خانواده دانش‌آموزان زمانی رابطه وجود خواهد داشت که میانگین نمره متغیر، نمره برش (۱۴۱)، به اندازه کافی بالاتر باشد.

جدول (۶): آماره‌های متغیر وضعیت اقتصادی خانواده

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد
وضعیت اقتصادی خانواده	۱۸۸/۹۷	۱۴/۹۵	۳۷۶

همان‌طور که از جدول فوق ملاحظه می‌شود میانگین نمره از نمره برش بیشتر است، اما باید به اندازه کافی از آن بیشتر باشد تا تفاوت مشاهده شده در اثر خطای اندازه‌گیری و یا تصادفی نباشد و برای تعیین معنادار بودن این تفاوت از آزمون T یک گروهی استفاده می‌کنیم.

جدول (۷): آماره های آزمون T یک گروهی با نقطه برش ۱۴۱

متغیرها	t_m	مقدار بحرانی t_b	تعداد N	درجه آزادی df	سطح معناداری α
اوقات فراغت	۹/۱۱۱	۲/۳۲۱	۱۶	۳۷۵	۰.۰۰۰

چون T محاسبه شده ($t_m=9/111$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha=0.01$) و درجه آزادی ۳۷۵ از T جدول بحرانی ($t_b=2/321$) بزرگتر است. بنابراین، معلوم می شود که میانگین نمره ۱۸۸.۹۷ متغیر از میانگین (۱۴۱) به طور معناداری بزرگتر است و لذا بین شادابی و نشاط و وضعیت اقتصادی خانواده دانش آموزان رابطه وجود دارد.

بحث و جمع بندی

بین شادابی و نشاط و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان زمانی رابطه وجود خواهد داشت که میانگین نمره متغیر از نمره برش (۱۴۱)، به اندازه کافی بالاتر باشد. چون T محاسبه شده ($t_m=145.3$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha=0.01$) و درجه آزادی ۳۷۵ از T جدول بحرانی ($t_b=10.2$) بیشتر است. بنابراین، معلوم می شود که میانگین نمره ۱۸۲/۲۶ متغیر از میانگین (۱۴۱) به طور معناداری بیشتر است و به همین دلیل بین شادابی و نشاط و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد. نتایج به دست آمده با نتایج تحقیق ماهون و همکاران (۲۰۱۰)، میلر (۲۰۰۸)، غلامی و چاری (۱۳۹۰)، زارعی متین و همکاران (۱۳۸۸)، سرهنگی (۱۳۸۹)، جعفری و طالب زاده (۱۳۸۹)، سمیری (۱۳۸۳) و سرهنگی (۱۳۸۹) همسو بوده و نشان از تأیید این فرضیه دارد.

بی شک فضای شاداب و دوست داشتنی تأثیر زیادی در شکوفایی استعدادها، خلاقیت، برنامه ریزی آموزشی پویا و خلاق، پیشرفت تحصیلی، کارایی، سلامت و زنده دلی دانش آموزان دارد، مدرسه با نشاط موجب باروری جسم و اندیشه کودکان و دانش آموزان می شود. انسان شاداب، پویا و پرتحرک به زندگی امیدوار است و برای رسیدن به اهداف خود سرسختانه تلاش می کند، برعکس انسان افسرده و اندوهگین و بی تحرک، احساس خستگی، درماندگی و ناامیدی می کند و در برابر مشکلات، ناتوان و عاجز است و لازمه تحقق و ایجاد مدارس با نشاط، تغییر نگرش و نگاه نو و جدید اولیا و مربیان مدرسه در خصوص زیباسازی و بهسازی فضای آموزشگاه است چرا که فضای زیبا و شاداب تأثیر

زیادی در برنامه‌ریزی آموزشی و پیشرفت تحصیلی و روحیه دانش‌آموزان و معلمان دارد. تجربه نشان داده است که در هر جا اولیا با آگاهی و مشارکت فکری، فرهنگی و مادی خود در مدرسه مشارکت کرده‌اند، روند پیشرفت تحصیلی و فعالیت در برنامه‌ریزی آموزشی مدارس از جایگاه بهتر و مطلوب‌تری برخوردار شده است. مدیر مدبر با ایجاد فضایی سرشار از صمیمیت موجبات افزایش روحیه گروهی، اعتمادسازی و ایجاد جو عاطفی، دوستانه و شاد را فراهم می‌آورد. مدیر مدرسه با ایجاد روحیه مشارکت‌پذیری در دانش‌آموزان، معلمان و اولیای دانش‌آموزان در اداره‌ی مدرسه می‌تواند جو عاطفی و شادی ایجاد کند و با ایجاد جو احترام متقابل میان معلمان و دانش‌آموزان زمینه ارتقای کیفیت آموزشی و برنامه‌ریزی آموزشی ثمربخش و احساس رضایت‌مندی را در مدرسه به وجود می‌آورد.

بین شادابی و نشاط و جنسیت دانش‌آموزان رابطه وجود خواهد داشت که میانگین نمره متغیر از نمره برش (۱۴۱)، به اندازه کافی بالاتر باشد. چون T محاسبه شده (۶.۰۰۹ = t_m) در سطح اطمینان ۹۹ درصد (۰.۰۱ = α) و درجه آزادی ۳۷۵ از T جدول بحرانی (۲). (۵۷۶ = t_p) بیشتر است. بنابراین، معلوم می‌شود که میانگین نمره ۱۷۸.۸ از میانگین (۱۴۱) به طور معناداری بیشتر است و لذا بین شادابی و نشاط و جنسیت دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نتایج به دست آمده با نتایج تحقیق نیسی (۱۳۸۱)، روحانی (۱۳۸۰)، متین و همکاران (۱۳۸۸)، کولیت کلی (۲۰۰۹)، ماهون و همکاران (۲۰۱۰) همسو بوده و نشان از تأیید این فرضیه دارد.

جامعه‌ای که می‌کوشد تا در جهت توسعه حرکت کند، نمی‌تواند با توجه صرف به عوامل مادی و بدون توجه به تعالی انسان‌ها به توسعه مطلوب دست یابد و البته در این میان حضور زن در روند توسعه الزامی است. در صورت درک هویت و شان والای زن و با توجه به اصل تساوی و برابری در ارزش‌های انسانی بی‌شک در رسیدن به این تعالی پیشگام خواهند بود. بخشی که هم اسلام به عنوان تساوی حقوق و تشابه آن در مورد زن و مردم طرح است در مباحث جامعه‌شناختی و حقوقی نیز با همین محتوا مطرح است و آن این است که حقوق برابر زن و مرد توصیه نمی‌شود، مگر در هویت متفاوت آن دو به عنوان زن و مرد. زمانی که زنان و دختران جوان در معرض توجهات دیگران قرار دارند و

قضاوت در مورد آنها بیش از مردان بر اساس ظاهرشان است، دختران باید موازنه قدرت را در ارتباط با هویت بدنی شان تغییر دهند، آنها باید همه این مسائل را در محیط شخصی و اجتماعی چالش انگیز، دشوار و متغیر مدیریت کنند. اگر نتوانند از عهده ی آن برآیند، باید بر الگوهای خشک رفتاری منطبق شوند که همانند گذشته بر زندگی شان چیره خواهد شد، به جای آنکه بر الگوهای سنتی تسلط و چیرگی بیابند. بنابراین، در یک چارچوب اخلاقی و قانونی می توان برای جلوه گر شدن این هویت اجتماعی مستقل و خیره سنتی که دختران در جامعه در حال گذر در پی دستیابی به آن هستند، تلاش کرد که بر اساس آن خانواده و زندگی خانوادگی تبدیل به محلی برای تکیه انسانها به یکدیگر شود.

بینش آدابی و نشاط و وضعیت اقتصادی خانواده دانش آموزان زمانی رابطه وجود خواهد داشت که میانگین نمره متغیر، نمره برش (۱۴۱)، به اندازه کافی بالاتر باشد. چون T محاسبه شده ($t_p = 111.9$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha = 0.01$) و درجه آزادی ۳۷۵ از T جدول بحرانی ($t_p = 321.2$) بیشتر است، بنابراین معلوم می شود که میانگین نمره ۹۷.۱۸۸ متغیر از میانگین (۱۴۱) است و لذا بین شادابی و نشاط و وضعیت اقتصادی خانواده دانش آموزان رابطه وجود دارد. نتایج به دست آمده با نتایج تحقیق روحانی (۱۳۸۰)، جان (۲۰۰۶)، ولک (۲۰۰۸)، اویشی و همکاران (۲۰۱۰)، همسو بوده و نشان از تأیید این فرضیه دارد.

فقر اقتصادی در تمام ابعاد زندگی انسان می تواند تأثیر بسزایی داشته باشد، خصوصاً در برنامه ریزی آموزشی، بهداشت، رشد فرهنگی، رشد و تربیت فرزندان، بی نظمی و ناهنجاری کودکان، رشد اشتغال و غیره هم مطالعات نشان داده است که هر چه آسیب های روانی بیشتر باشد، موقعیت اجتماعی شخص را پایین تر می آورد و عواملی چون بیکاری، تعداد فرزندان، اعتیاد، طلاق که همه موجب پایین آمدن موقعیت اجتماعی و فرهنگی شخص می شود و آشفتگی ها یا آسیب های روانی را به وجود می آورد، معمولاً افرادی که در سطح پایین اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زندگی می کنند، سطح تحصیلات کمتری نسبت به افراد هم سال خود دارند و میزان تحصیلات در این خانواده ها به شدت اُفت پیدا می کند و عواملی چون پایین بودن درآمد، مسکن نامناسب عدم سرپرستی و حضور پدر و

مادر در خانواده، کثرت فرزندان و طبقه پایین شغلی والدین بر ترک تحصیل فرزندان تأثیر دارد.

پس مسلم است که کیفیت آموزش، تربیت و نوع برنامه‌ریزی آموزشی در نظام‌های آموزشی و مدارس در رشد جسمانی و قوای دفاعی دانش آموز در خانواده‌هایی با سطح پایین اقتصادی و فرهنگی جامعه و خانواده اثرات مستقیمی بر عدم پیشرفت فرزندان و برنامه‌ریزی آموزشی ناکارآمد به جای می‌گذارد. مشکلات والدین در راه کوشش و تلاش برای معاش و گرفتاری‌های بی‌شمار آنها در این رابطه معمولاً والدین را از اوضاع و احوال فرزندان خود غافل می‌نماید و در حقیقت رابطه صحیحی را لازمه یک زندگی سالم است را مختل می‌سازد و اثرات این نوع زندگی در ظرف چند سال به اعماق افراد نفوذ می‌کند و موجب تخریب نیروهای بالقوه آنان می‌گردد. وقتی فقر در خانواده ای باشد امکان بروز مشکلاتی در رفتار جوانان من جمله دانش‌آموزان وجود خواهد داشت، طور معناداری بیشتر می‌گردد.

فهرست منابع:

- اسکندری، محرم (۱۳۸۶). *راهنمای روش‌های نوین تدریس*، انتشارات رهیافت، چاپ اول.
- جعفری مقدم، سعید (۱۳۸۵). *گلچینی از اندیشه‌های مدیریت*، انتشارات مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، چاپ اول.
- جعفری، پیروش. طالب زاده، فاطمه (۱۳۸۹). ارائه مدلی برای نشاط و شادی در مدارس ابتدایی شهر تهران. *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سال چهارم، شماره ۴، زمستان.
- زارعی متین، حسن، احمدی زهرانی و زلفا حق گویان (۱۳۸۸). نقش دانشگاه در ایجاد عوامل مؤثر بر شادی، *مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال سیزدهم، شماره ۲، تابستان.
- غلامی، سمیه. چاری، مسعود حسین (۱۳۹۰). پیش بینی شادمانی دانش‌آموزان با توجه به ادراک آنها از انتظارات معلم، نحوه تعامل معلم و خودکارآمدی. *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*، دوره سوم، شماره اول، بهار و تابستان.
- سیف‌الله، فضل‌الهی. جهانگیر اصفهانی، نرگس. حق گویان، زلفا (۱۳۸۹). *سنجش میزان و عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان پردیس قم دانشگاه تهران*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۹، ص ۸۹-۱۰۸.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۴). *روانشناسی شخصیت*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- مارشال ریو، جان (۱۳۷۴). *انگیزش و هیجان*، ترجمه: یحیی سید محمدی. انتشارات سمت، چاپ سوم.
- هاتوس. اسپنسر (۱۳۸۶). *روانشناسی عمومی*، ترجمه: حسین ابراهیمی و همکاران، تهران: نشر ساوالان.
- هاشمی رکاوند، مجتبی (۱۳۷۷). *از اثبات تا ظهور*، انتشارات معارف، دوره دوم، شماره ۲۳.
- هافمن کارل و همکاران (۱۳۸۴). *روانشناسی عمومی*، از نظریه تا کاربرد، ترجمه: هادی بحیرایی و همکاران، تهران: نشر ارسباران.
- Bainbridge, Carol. (2010). *Intrinsic Motivation*. Gifted kids. about. com. Retrieved 28 Novemberr.

- Fastener, L. (1957). *A theory of cognitive dissonance*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Kraft, M. (2008). *Delegation von Preiskompetenzen den Verkaufsaußendienst. eine empirische Analyse ausgewählter Determinanten und Gestaltungsmöglichkeiten*. Wiesbaden, P. 36.
- Steel, P. & König, C. J. (2007). Integrating theories of motivation. *Academy of Management Review*, 31, 889–913.
- Seligman, Martin E. P. (1990). *Learned Optimism*. New York: Alfred A. Knopf, Inc., p. 101, ISBN 0-394-57915-1.
- Mahon, N. E. Yarcheski, A. and Yarcheski, T. J. (2010). Happiness as Related To Gender and Health in Early Adolescents. By Sage publications. Vol. 14 No. 2 175-190.
- Oishi, Sh. Kyungkoo, M. & Akimoto, Sh. (2010). Culture, Interpersonal Perceptions, and Happiness in Social Interactions. *Pres Soc Psuchol Bull.* doi: 10. 1111/01 46167207 Vol. 34 No. 3 307-320.
- Kelly, C. Molcho, M & Saoirse. Gabhainn, Saoirse N. (2009). Health behavior in school-aged children (HBSC) Ireland 2006. Health Promotion Research Center, School of health Sciences, National University of Ireland Galway.
- Wolk, S. (2008). Joy in School. The Positive Class room. A. S. C. D. Vo. 66, N. 1, pp. 8-15.